

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق

(نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

امروزه طلاق یکی از مهمترین تهدیدکننده های نظام خانواده به شمار می آید. تحقیقات متعددی نشان می دهند که نگرش به طلاق در زنان و جوانان در حال تغییر است. تغییر نگرش زنان به طلاق موجب افزایش طلاق در سالهای اخیر در جامعه ایران شده است. این مقاله به بررسی ادراکات و نظرات دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از طلاق می پردازد. روش تحقیق از نوع کیفی و با رویکرد پدیدار شناسی است. نمونه های مورد بررسی ۳۱ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان هستند. اظهارات دانشجویان از طلاق در چهار مضمون مجاز در اسلام، رهایی و نجات، راه حل منطقی و مانع آسیب، دسته بندی شدند. نتایج تحقیق نشان می دهد که ادراکات و تصورات دانشجویان از طلاق نسبت به گذشته تغییرات قابل توجهی داشته است. آنها معتقدند که در اسلام طلاق مجاز است. نمونه های مورد بررسی، طلاق را رهایی و نجات از مشکلات زندگی مشترک می پندارند. از نظر آنها طلاق آخرین راه حل منطقی می تواند باشد. در نهایت دانشجویان تصور می کنند طلاق و جدایی مانع آسیبهای بیشتر به زوجین و فرزندانشان می شود.

کلمات کلیدی: ادراک، طلاق، دانشجویان، پدیدار شناسی

Investigating young girls' perceptions of divorce

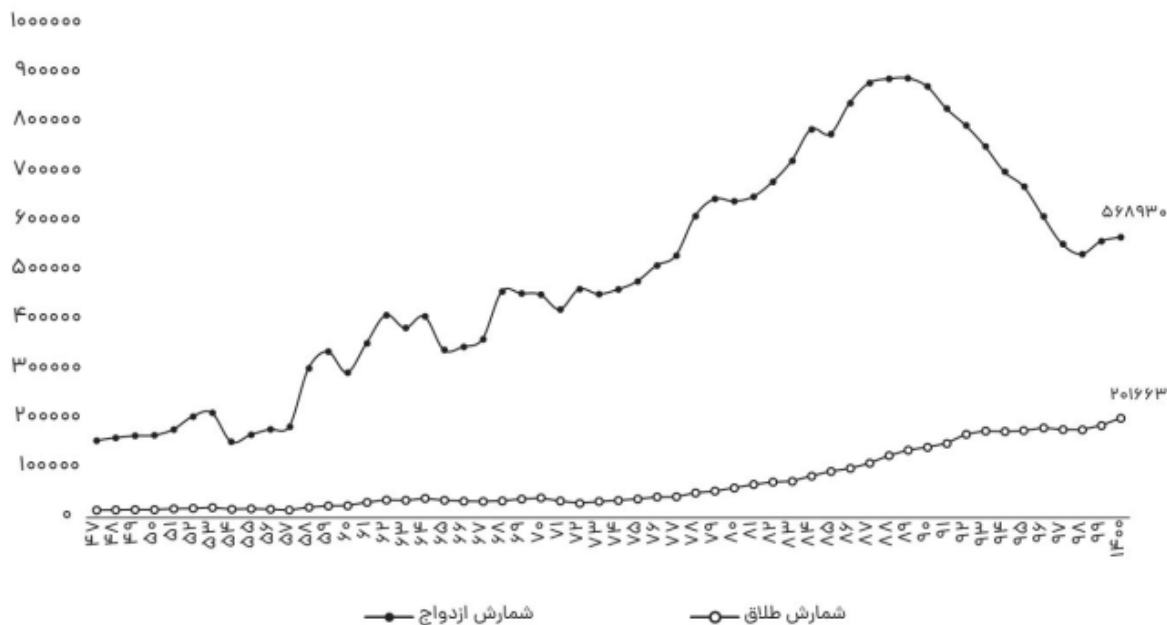
Today, divorce is one of the most important threats to the family system. Several studies show that the attitude towards divorce among women and young people is changing. The change in women's attitude towards divorce has led to an increase in divorce in recent years in Iranian society. This article examines the perceptions and opinions of Farhangian University female students about divorce. The research method is qualitative and with a phenomenological approach. The investigated samples are ۳۱ female students of Farhangian University. The statements of the students about divorce were categorized into four themes allowed in Islam, liberation and salvation, logical solution, and prevention of harm. The research results show that there have been significant changes in students' perceptions of divorce. They believe that divorce is allowed in Islam. The studied examples consider divorce to be a way to get rid of the problems of family life. According to them, divorce can be the last logical solution. Finally, students think that divorce and separation prevent more damage to couples and their children.

Keywords: divorce, perception, students, phenomenology

از مهمترین تغییرات در حوزه خانواده در اکثر جوامع امروزی افزایش طلاق و تغییر نگرش به طلاق است. طلاق به گونه ای گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج با شروط و مقرراتی گفته می شود (تقوی ۱۳۷۹: ۱۶۹). به عبارت دیگر طلاق به انحلال قانونی پیوند ازدواج گفته می شود. طلاق یکی از مهمترین مسائل اجتماعی است که طی دهه های اخیر خانواده های ایرانی را متلاشی می کند. اگر چه افزایش طلاق مختص خانواده های ایرانی نیست و در اغلب جوامع، تحول نظام ارزشی و ساختاری به افزایش طلاق در سطح جهان منجر شده است. در طی پنجاه سال گذشته در جوامع غربی افزایش خیره کننده طلاق و روند رو به رشد آن به حدی بوده است که برخی متفکران اجتماعی از واژه هایی مانند عصر طلاق (اوپنهایم ماسون و جنسن^۱، ۱۹۹۵) و انقلاب طلاق (وایتزمن^۲، ۱۹۸۵) برای توصیف این دوران استفاده نمودند. به اعتقاد جامعه شناسان تبدیل طلاق به مساله اجتماعی مستلزم تبدیل شدن از یک گرفتاری شخصی و خصوصی به یک مساله عام ساخت اجتماعی است و زمانی به منزله مساله اجتماعی مطرح می شود که از حد معینی خارج و فراوانی آن غیر متعارف شود (محبی، ۱۳۹۱). در دو دهه گذشته افزایش طلاق در ایران شدت بیشتری یافته است. (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۰) بطوری که آهنگ رشد طلاق در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سریع تر بوده است. میزان طلاق از سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ از ۰/۹۳ در هر ۱۰۰۰ ازدواج به ۱/۹۰ افزایش یافته است. در سالهای اخیر نیز رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است به طوری که از سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ به طور مداوم با افزایش رشد طلاق نسبت به رشد ازدواج روبه رو هستیم. بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۵ به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰، ۱۹ طلاق و در سال ۱۳۹۵، ۲۱ طلاق ثبت شده است (فولادیان، شجاعی قلعه نی، ۱۳۹۹: ۲۳۳).

^۱ Oppenheim Mason & Jensen

^۲ Weitzman



رشد ثبت ازدواج و طلاق طی ۵۰ سال اخیر در ایران (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۰)

افزایش طلاق پیامدهای فردی و اجتماعی قابل توجهی به همراه دارد. از میان کلیه مشکلات اجتماعی هیچ یک به اندازه طلاق آثار بلند مدتی ندارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۲: ۱۳۹۰). در پژوهشهای متعددی نیز بین طلاق و افزایش آسیب‌های اجتماعی نظیر روسپی‌گری، فقر، آسیب‌های روانی، انحرافات جنسی (اماتو و کیث، ۱۹۹۶؛ اماتو و دنیس، ۲۰۰۳، کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰؛ روشنی و همکاران، ۱۳۹۸)، و در سطح کلانتر کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی، تغییرات نهاد خانواده، افول تعهد اجتماعی و پیدایش هویت‌های سیال، پراکنده و مبهم را به دنبال دارد (محمدپور، ۱۳۹۳: ۱۳۸). افزایش طلاق و آسیب‌های پیش روی آن بر فرد و جامعه موجب شده که پس از اعتیاد بالاترین تعداد پژوهش‌های انجام شده در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۴ را به خود اختصاص دهد (موسوی ۲۹۲: ۱۳۹۵).

مطالعات مربوط به طلاق اغلب به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقوع طلاق پرداخته‌اند (ملنفت و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیروزجاییان گلوگاه و همکاران، ۱۳۹۷؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۶؛ زارعان و سدیدپور، ۱۳۹۶؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰) و یا پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی طلاق بر افراد مطلقه و فرزندان‌شان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. (اماتو، ۲۰۰۰؛ روشنی و همکاران، ۱۳۹۸؛ یحیی زاده و حامد، ۱۳۹۴؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰، صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱) در این میان تحقیقات کیفی کمتری (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵) به ادراکات و معناهای ذهنی گروه‌های اجتماعی مختلف از جمله زنان و جوانان نسبت به طلاق پرداخته شده است.

برخی از تحقیقات نشان می دهد که نگرش به طلاق بخصوص در میان زنان و جوانان در حال تغییر است. (صادقی، ۱۳۹۶؛ سلیمانی، ۱۳۹۶؛ حسنی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فلاحی گیلان و همکاران، ۱۳۹۱؛ فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵؛ بگی و حسینی، ۱۴۰۰) بسیاری از محققان اجتماعی معتقدند که نگرش مثبت به طلاق می تواند بر کاهش کیفیت زناشویی و احتمال بروز طلاق در زندگی همسران نقش مهمی داشته باشد (روتالو و کاسرو، ۲۰۱۶، دیاز و همکاران، ۲۰۱۳، کوان و همکاران، ۲۰۱۳ ویتون و همکاران، ۲۰۱۳، صادقی، ۱۳۹۶؛ چابکی، ۱۳۹۲). تحولات ذهنی، ارزشی و نگرشی همچون گسترش ارزشهای لیبرالی و فردگرایی، گذار از ارزشهای مادی به ارزشهای فرا مادی و همچنین اشاعه تفکرات فمینیستی (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶؛ علی مندگاری و همکاران، ۱۳۹۵) به همراه دگرگونی در وضعیت تحصیلات و اشتغال و گسترش فضای مجازی و تسهیل دسترسی به ارتباطات و اطلاعات موجب افزایش عاملیت^۳ و کنشگری زنان در حوزه های اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی شده است (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۸) حوزه خانواده یکی از مهمترین حوزه های است که زنان در آن خواهان تغییر و توزیع قدرت برابر میان زنان و مردان هستند. تحقیقات اجتماعی نشان می دهد تقویت ارزشهای مبتنی بر فردیت و برابری طلبانه و معنای جدید از خوشبختی انتظارات زنان را از زندگی خانوادگی تغییر داده است. گرایش زنان به ارزشهای فردگرایانه و برابری طلبانه سبب دوری از هنجارهای خانواده سنتی و تعریفی متفاوت از هویت زنانه شده است (گودرزی، ۱۳۹۴). تحولات رخ داده موجب بازاندیشی^۴ زنان نسبت به نقشهای جنسیتی، ازدواج، تشکیل خانواده و فرزند آوری و طلاق شده است. آنها خواهان کنشگری فعالتری و عاملیت در عرصه خانوادگی هستند. عاملیت زنانه به معنای فرا رفتن از سطح واکنش و ورود به قلمرو تصمیم گیری و تصمیم سازی شخصی برای خود است (عرب خراسانی، ۳۷-۱۳۹۸:۳۸). در این میان طلاق به یکی از قلمروهای تصمیم گیری و تصمیم سازی زنان تبدیل شده است. بر اساس تحقیقات زنان معمولا در اقدام به جدایی و گرفتن طلاق پیش قدم هستند (موسوی، ۱۳۹۵: ۲۸۹) و کنشگری و عاملیت بیشتری در عرصه خروج از زندگی خانوادگی دارند. برخلاف زمانهای نه چندان دور که سهم زنان در جدایی بسیار کم بود و آنان بیشتر مخاطب این واقعه ناخوشایند بودند اکنون زنان در این حوزه کنشگرانی فعالی هستند (عرب خراسانی، ۱۳۹۸:۵۵).

بدین ترتیب افزایش تحصیلات زنان به همراه اشتغال آنان در نظام اقتصادی و استقلال اقتصادی و مالی آنان در جامعه و همچنین گسترش فضای مجازی و تسهیل دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، افزایش فردگرایی به همراه آشنایی با تفکرات فمینیستی و گذار از نیازهای مادی به نیازهای فرا مادی در ازدواج باعث شده است نگرش زنان نسبت به طلاق تغییر یابد. تحقیقات متعددی این تغییر نگرش زنان به طلاق را تایید می کنند.

پیشینه تحقیق

^۳ Agency

^۴ Reflexivity

بگی و حسینی (۱۴۰۰) در مقاله *تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران* به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی داری در نگرش نسل‌های مختلف به طلاق وجود دارد. نسل‌های جوان‌تر در همه سنین نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند. تحصیلات دانشگاهی، ارزش‌های سکولار، برابری جنسیتی و ارزش‌های مدرن خانواده بر نگرش آنان به طلاق تأثیر می‌گذارد. انتظار می‌رود با ادامه روند جایگزینی نسلی و نیز شتابی که در پدیده‌هایی همچون شهرنشینی، جهانی شدن فرهنگی، گسترش آموزش، توسعه فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، گسترش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، روند رو به رشد نگرش مثبت به طلاق همچنان تداوم یابد.

نتایج پژوهش مرادی و فرخی (۱۴۰۰) در مقاله *عوامل موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مطالعه موردی زنان متأهل اسلام‌آباد غرب)* نشان می‌دهد مهمترین عوامل موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق، تفاوت عقاید، کاهش یا افزایش سن، درآمد و اشتغال زنان و دخالت دیگران هستند.

صادقی و آقاجانیان (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان *نگرش و گرایش به طلاق در ایران: تعیین‌کننده‌های ذهنی و ساختاری* به بررسی نگرش و تمایل جوانان ایرانی به طلاق پرداخته‌اند. داده‌های این تحقیق حاکی از آن است که تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان طلاق را به عنوان راه حل مشکلات زناشویی تایید کرده‌اند و یک پنجم آنها تمایل بالایی در این زمینه دارند. نتایج آنان نشان می‌دهد که تایید و تمایل زیاد به طلاق با عوامل ذهنی یعنی فرد گرایی سکولاریسم و دیدگاه برابری جنسیتی و عوامل ساختاری از جمله تحصیلات و اشتغال همسر و عدم امنیت اقتصادی خانوار ارتباط معنی داری دارند.

کرمی و البرزی (۱۳۹۸) در مقاله *بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به طلاق در شهر شیراز* نشان می‌دهد که تصور مثبت از طلاق مهمترین متغیر تأثیرگذار بر گرایش به طلاق است. عوامل دیگری چون رضایت جنسی و عاطفی، دخالت اطرافیان و جنسیت بیشترین تأثیر را بر گرایش به طلاق داشته‌اند.

صادقی (۱۳۹۶) در مقاله *نگرش نسبت به پیامدهای طلاق و تأثیر آن بر تمایل زوجین جوان به طلاق در شهر تهران* نشان می‌دهد که ارزیابی افراد از زندگی بعد از طلاق می‌تواند تمایل جوانان به طلاق را تحت تأثیر قرار دهد. حدود یک پنجم جوانان متأهل مورد بررسی تمایل زیادی به گرفتن طلاق دارند. این افراد عمدتاً تصور و ارزیابی مثبتی از پیامدهای و زندگی بعد از طلاق دارند. صادقی در این تحقیق نتیجه می‌گیرد که اینکه زوجین جوان چه تصور و نگرشی نسبت به پیامدهای و زندگی بعد از طلاق داشته باشند می‌تواند تصمیم‌گیری آنها برای طلاق را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) در *فرا تحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق در سالهای ۱۳۸۲-۱۳۹۴* به این نتیجه رسیدند که نگرش مثبت به طلاق روندی نسبتاً فزاینده و رو به رشد را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد: سطح بالای تحصیلات، استفاده از اینترنت و داشتن ماهواره، طبقه اجتماعی سطح بالا، تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی همسران، تعارض در خانواده، کم رنگ شدن نقش اقتصادی مرد و کوچک بودن ابعاد خانواده از عوامل موثر در نگرش

مثبت به طلاق هستند. آنها این روند را محصول تسلط فرد گرایی و لیبرالیسم، کاهش کنترل نهادی غلبه ارزشهای فوق مادی، سبک زندگی مدرن، ورود زنان به بازار کار و عدم تعادل هزینه فایده ازدواج است.

صادقی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله *واکاوی ادراک جوانان از تجربه طلاق: مطالعه کیفی در شهر تهران*، به واکاوی ادراک و تجربه جوانان مطلقه از فرایند و پیامدهای طلاق پرداخته اند. نتایج مطالعه آنها در چهار محور دلایل و بسترهای طلاق، نگرش به طلاق قبل و بعد از اقدام، مسائل و چالشهای فرایند طلاق و پیامدها و مسائل اجتماعی بعد از طلاق ارائه شده است. بر اساس نتایج تحقیق آسیب پذیری زنان در فرایند طلاق بیشتر از مردان است. زنان در مقایسه با مردان از مسائل عاطفی اجتماعی و اقتصادی بیشتری رنج می برند. نتایج این تحقیق نشان می دهد طلاق امری فرایندی، بافتار مند و چند بعدی است. رخداد طلاق در خلا شکل نمیگیرد بلکه در یک بافتار اجتماعی فرهنگی رخ می دهد که هم فرایندها و هم پیامدهای طلاق را تحت تاثیر قرار می دهد.

نتایج تحقیق فروتن و میوزایی (۱۳۹۵) با عنوان *نگرش به طلاق و تعیین کننده های آن در ایران* نشان می دهد که به طور کلی یک سوم افراد مورد مطالعه دارای نگرش مثبت به طلاق هستند. متغیرهای جمعیت شناختی (همچون سن و جنس و وضعیت تاهل و محل سکونت و تحصیلات)، نگرشهای جنسیتی و میزان دینداری افراد بر نگرش به طلاق تاثیر می گذارد. بطوری که نتیجه می گیرند هرچه نگرشهای فردگرایانه و لیبرالی و غیرسنتی برجسته تر و قویتر باشد بر شدت نگرش مثبت به طلاق نیز افزوده می شود.

چابکی (۱۳۹۲) در مقاله *مطالعه بین نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران*، نشان می دهد که تغییر نگرش زنان در ارتباط با کارکردهای خانواده بر طرز تلقی آنها نسبت به طلاق تاثیر گذاشته و در نتیجه سبب افزایش میزان طلاق در ایران شده است. نتایج تحقیق او نشان می دهد ارزشهای مرتبط با نقشهای خانوادگی و کارکردهای خانواده در میان زنان نسل جدید دستخوش تغییر شده است. طرز تلقی زنان نسل جوان از طلاق متفاوت از نسل گذشته است. بطوری که از نظر ۶۸ درصد از زنان نسل جدید، طلاق امری مذموم و ناپسند به شمار نمی آید.

نتایج تحقیق فلاحی گیلان، روشنفکر و پور کسمایی (۱۳۹۱) در مقاله *بررسی بین نسلی نگرش به طلاق مطالعه ای در استان زنجان* نشان می دهد که نگرش به طلاق در بین نسلهای متفاوت است. این تفاوت در نگرش به طلاق در بین زنان معنادار و مشهود تر از مردان است. این تغییر نگرش زنان به طلاق ناشی از تغییرات حاصل شده در نقش زنان در زندگی اجتماعی آنان است. موافقت نسلهای جدید با سنگینی صدمات عاطفی ناشی از طلاق و ارجحیت زندگی زناشویی دشوار به طلاق کاسته شده و بر بی موردی اغلب مخالفتهای اجتماعی با طلاق اجماع بیشتری شده است.

با توجه به اینکه زنان در زندگی خانوادگی از آغاز کنندگان طلاق هستند (عرب خراسانی، ۱۳۹۸، موسوی، ۱۳۹۵) بررسی ادراکات و تصورات و ذهنیت زنان و دختران از طلاق می تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد، زیرا طلاق یک کنش اجتماعی معنادار با پس زمینه اجتماعی است. تحقیقات پیشین اغلب به شیوه کمی آماری و مقایسه نسلهای قدیم و جدید،

به بررسی نگرش زنان و جوانان به طلاق پرداخته‌اند. اگر چه مطالعات و پژوهشهای بین نسلی نشان می‌دهند که نگرش به طلاق میان نسلهای گذشته و جدید تغییر یافته است و نگرش زنان به طلاق نسبت به مردان تغییرات معناداری داشته است، اما شیوه‌های آماری و کمی و تطبیقی بین نسلی از درک و فهم عمیق و همدلانه از تغییرات معنایی که در ذهنیت جامعه زنان رخ می‌دهد ناتوان است. بنابراین استفاده از شیوه‌های کیفی برای آشنایی و درک دقیق و واقع بینانه‌تر از وقایع اجتماعی همچون طلاق می‌تواند تکمیل‌کننده پژوهش‌های کمی باشد. چنانچه نظام معنایی و تفسیری زنان و دختران جوان از طلاق درک شود نه تنها درک و ذهنیت نسل جوان از طلاق شناخته می‌شود بلکه می‌تواند سیاستهای لازم برای مدیریت و اصلاح آنرا فراهم سازد. بر این اساس هدف این مقاله مطالعه و تحلیل ادراکات، نظرات و دیدگاههای دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از طلاق است. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بخشی از جامعه زنان و بخشی از نسل جدید زنان و دختران جوان به حساب می‌آیند. بررسی و تحلیل دیدگاهها و نظرات و معناهای ذهنی آنان، فهم دقیقی از رویکرد نسل جدید زنان نسبت به طلاق را شناسایی می‌کند. از سویی این بخش از دانشجویان در سالهای آینده به عنوان معلم در کلاسهای درس به آموزش و تدریس خواهند پرداخت و بدین ترتیب باورها و نگرشها و ادراکات و ذهنیت‌هایشان از ازدواج، تشکیل خانواده و طلاق را در قالب برنامه درسی آشکار و پنهان به نسلهای آینده انتقال خواهند داد. بدین ترتیب این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که دانشجویان دختر دانشگاه چه درکی از طلاق دارند؟

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله از نوع کیفی با رویکرد پدیدار شناسی است. روش تحقیق کیفی مدعی توضیح زیست جهان‌ها از درون و از دیدگاه کسانی است که در آنها مشارکت دارند، با این کار در پی کمک به درک بهتر واقعیت‌های اجتماعی است. پژوهش کیفی اغلب تصویری عینی‌تر و و باور پذیرتر از به کارگیری پرسشنامه‌های استاندارد از پیش تعیین شده از زندگی روزمره افراد ارائه می‌کند (فیلیک، ۱۳۹۷: ۱۴). رویکرد پدیدار شناسی غالباً روی ادراکات متمرکز است و تلاش دارد فهم بهتری از چگونگی نمود جهان نزد مشارکت‌کنندگان و کیفیت تجربه و دریافت جهان توسط آنها از منظر خودشان ارائه دهد (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

نمونه‌های مورد پژوهش از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان البرز هستند. تعداد نمونه‌ها نیز بر اساس اصل اشباع نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳) تعیین شدند. یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی که اظهارات نمونه‌ها از طلاق به تکرار نرسیده بود نمونه‌گیری ادامه یافت. بر این اساس ادراکات، نظرات و دیدگاه‌های ۳۱ نفر از دانشجویان دختر در مورد طلاق جمع‌آوری شد. سن پاسخگویان بین ۱۹ تا ۲۳ سال بوده است.

جدول شماره ۱ مشخصات سنی و استان محل سکونت نمونه های مورد بررسی

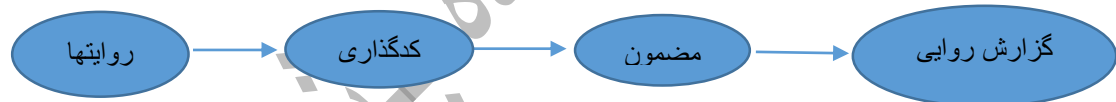
پاسخگوی	سال	استان	پاسخگوی	سال	استان
۱	۲۰	البرز	۱۷	۱۹	البرز
۲	۱۹	اردبیل	۱۸	۲۰	کردستان
۳	۲۱	آذربایجان غربی	۱۹	۲۰	آذربایجان شرقی
۴	۲۰	آذربایجان شرقی	۲۰	۱۹	البرز
۵	۱۹	البرز	۲۱	۲۰	البرز
۶	۲۰	آذربایجان غربی	۲۲	۲۰	زنجان
۷	۲۳	آذربایجان غربی	۲۳	۲۱	زنجان
۸	۱۹	البرز	۲۴	۲۰	البرز
۹	۲۱	قزوین	۲۵	۲۱	آذربایجان شرقی
۱۰	۲۰	گیلان	۲۶	۲۰	آذربایجان غربی
۱۱	۲۳	گیلان	۲۷	۲۰	البرز
۱۲	۱۹	گیلان	۲۸	۲۰	قزوین
۱۳	۲۰	البرز	۲۹	۲۱	آذربایجان شرقی
۱۴	۱۹	کردستان	۳۰	۲۲	زنجان
۱۵	۲۳	آذربایجان غربی	۳۱	۲۱	آذربایجان شرقی
۱۶	۲۳	آذربایجان غربی			

روش جمع‌آوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته است. در روشهای کیفی معمولاً با نتایج مصاحبه های نیمه ساختار یافته کار می‌کنند از آنجا که پژوهش کیفی می‌کوشد محقق را به درون جهان زندگی مشارکت کنندگان تحقیق وارد سازد مصاحبه های نیمه ساختی به واسطه تاکید بر سوالات باز و غیر هدایت شده می‌تواند مورد استفاده چنین پژوهشی قرار گیرد (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۱۷۱). مصاحبه با هر کدام از دانشجویان در حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه انجام شد. از دانشجویان خواسته شد تا تصورات و نظرات و دیدگاه‌هایشان را نسبت به طلاق بیان کنند. دانشجویان در مصاحبه ها به بیان نظرات، دیدگاهها و دیدگاهها و تصورات خود از طلاق پرداخته اند.

روش تحلیل داده ها، تکنیک تحلیل مضمون است. تکنیک تحلیل مضمون یکی از فنونی است که به طور گسترده ای در تحقیقات کیفی به کار می رود. از تحلیل مضمون میتوان به خوبی برای شناخت تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده ها کیفی استفاده کرد. این روش فرایندی است که داده های متنی و داده های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (براون، کلارک، ۲۰۰۶). در این روش شناخت ویژگی های مشترک داده ها مورد توجه است. هدف این روش تنها بررسی تکرارها و موارد مشابه نیست بلکه مهم شناسایی الگوهایی از معناست که محقق درباره موضوع خاص و سوال تحقیق انرا بررسی می‌کند. دریافت الگوهای معنایی مسلط در داده ها هدف اصلی این روش

پژوهش است. در این روش به دنبال فشرده کردن و ارائه روایتی موجز از مصاحبه های فردی و گروهی به صورت خام و پردازش نشده است. همانگونه که یک محقق کمی از ضرایب و ازمونهای آماری برای فشردن و ارائه خلاصه داده ها استفاده می کند در روش کیفی نیز این روند به کمک کد گذاری و مضمون سازی صورت می گیرد فرایند فشرده سازی به معنای استخراج ایده های اصلی و الگوبندی انهاست (ذکایی، ۱۳۹۹: ۸۵).

فرایند تحلیل مضمون با کدگذاری^۵ روایت ها آغاز می شود. کدگذاری به خرد کردن روایتها به اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن است (استروس و کوربین، ۱۳۹۳: ۶۱). کد به مفاهیم اصطلاحات و عبارتهایی گفته می شود که دانشجویان برای توصیف موضوع مورد پژوهش به کار برده شده است. بدین ترتیب پس از جمع آوری مصاحبه ها و پیاده سازی آنها، روایت های دانشجویان کد گذاری شد. پس از کد گذاری روایتها، تلاش شد کدهای مشابه در یک مضمون^۶ مشخص طبقه بندی شوند. مضمون مفهومی با سطح انتزاع گسترده تر از کدهاست. وقتی که کدها با یکدیگر مقایسه می شوند و به نظر می رسد که به مضمون مشابه مربوط اند در نظامی بالاتر دسته بندی می شوند. مضمون مفهومی است که از سایر کدها انتزاعی تر است. در نهایت بر اساس مضامین اصلی استخراج شده ارائه شده است. بر این اساس میتوان فرایند تحلیل داده را بدین شکل نشان داد.



لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) در پژوهشهای کیفی معیارهای چون اعتمادپذیری^۷ باورپذیری^۸ انتقالپذیری^۹ اطمینانپذیری^{۱۰} تاییدپذیری^{۱۱} را به جای روایی^{۱۲}، پایایی^{۱۳} و عینیت^{۱۴} پیشنهاد می کنند (به نقل از فیلیک، ۱۳۹۳: ص ۴۲۰). به منظور اعتماد پذیری، باورپذیری و انتقال پذیری مضامین و کدهای استخراج شده، از ۶ نفر از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان کمک گرفته شد. آنان پس از مرور کدها و مضامین بیان داشتند که مضامین استخراج شده به نوعی گویای نظرات و ادراکات مشترک آنان از طلاق نیز هستند. همچنین به منظور اطمینان پذیری و تایید پذیری مضامین استخراج شده و فرایند تحلیل داده ها، از نظرات ۲ نفر از متخصصان اجتماعی و تربیتی بهره برده شد. کدگذاری، مضامین و فرایند تحلیل داده ها مورد پذیرش متخصصان اجتماعی و تربیتی گرفت. متخصصان اجتماعی و تربیتی بیان داشتند فرایند تحلیل داده ها از هماهنگی و

^۵ Coding

^۶ theme

^۷ Trustworthiness

^۸ Credibility

^۹ Transferability

^{۱۰} Dependability

^{۱۱} Confirmability

^{۱۲} Validity

^{۱۳} Reliability

^{۱۴} Objectivity

سازگاری درونی برخوردار است و توانسته است تصویر و نمایش نسبتاً روشن و دقیقی و از ادراک دانشجویان از موضوع طلاق ارائه دهد.

یافته های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های گردآوری شده به متنهای نوشتاری تبدیل شدند و پس از پالایش متن‌ها به شماره گذاری متن‌ها اقدام شد. سپس متن‌های دانشجویان از طلاق کدگذاری شد. پس از کد گذاری متن‌ها، مفاهیم و عبارت‌هایی که مشابه و هم معنی بودند در یک مضمون دسته بندی شدند. از بررسی و ادغام کدها ۴ مضمون اصلی مجاز در اسلام، رهایی و نجات، آخرین راه‌حل منطقی و مانع از آسیب استخراج شد که در جدول زیر نشان داده شده است. در ادامه مضامین استخراج شده بر اساس گزارشی روایی توضیح داده شده است.

جدول ۲: کدها و مضامین استخراج شده

مضامین	کدها
مجاز در اسلام	حرام نبودن، منفور ترین حلال، قانونی و شرعی، جایز در دین، بسته نبودن در اسلام، جایز دانستن خدا، آخرین راه حل از نظر اسلام
رهايي و نجات	نجات از سختی‌ها؛ نجات از شرایط بد، رها شدن از محدودیت، رهایی از مشکلات، نجات بخش، راه نجات، پایان دادن به فشارها، نجات از تنشها و فشارها
راه حل منطقی	آخرین گزینه، آخرین راه، تلخ اما بهترین کار، راه‌حل معقول، راه‌حلی برای حل مشکلات، تنها راه‌حل، پایان داده به زندگی اشتباه، گزینه خوب، تصمیم درست و عقلانی، عادی و عقلانی
مانع از آسیب	جلوگیری از فساد تباهی، مانع از آسیب روحی و روانی، جلوگیری از آسیب به بچه‌ها، افسردگی زن، بروز مشکلات برای کودکان، به نفع فرزندان، جلوگیری از ضرر؛ بهتر شدن وضعیت

طلاق مجاز در اسلام: مشارکت کنندگان تحقیق، مجاز بودن طلاق در اسلام را با این مفاهیم توصیف نموده اند: حرام نبودن، منفور ترین حلال، قانونی و شرعی، جایز در دین، بسته نبودن در اسلام. جایز دانستن خدا، آخرین راه حل از نظر اسلام.

پاسخگوی ۲ از استان اردبیل ۱۹ ساله بیان می‌کند: «این کار ناشایست و حرام نیست». پاسخگوی ۱۰ از استان گیلان ۲۰ ساله در مورد شرعی و قانونی بودن طلاق اظهار می‌دارد: «اگر این مورد در قانون و شرع قرار داده شده حتما در شرایطی برای فاعلش ضروری بوده». پاسخگوی ۱۶ از استان آذربایجان غربی ۲۳ سال در مورد بسته نبودن راه طلاق در اسلام چنین می‌گوید: «در اسلام راه طلاق به دلیل طبیعت زن و مرد به طور مطلق بسته نیست و اگر امکان ادامه زندگی نیست نباید به زور زن و مرد را کنار هم قرار داد». پاسخگوی ۲۶ از استان آذربایجان غربی ۲۰ ساله نیز در مورد جایز بودن طلاق در اسلام چنین اضافه می‌کند: «درست است که طلاق یکی از معضلات اجتماعی است اما وقتی در دین هم

جایز است و در مورد آن سوره ای آمده است مردم باید ذهنیت خود را راجع به این موضوع تغییر دهند.» پاسخگوی ۳ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله در مورد جایز دانستن خدا چنین بیان می‌دارد: «در صورت حل نشدن مشکلات زندگی مشترک، و حاد بودن موضوعی که باعث اختلاف شده و حتی اگر بودن با یک فرد باعث دوری انسان از آرامش و هدف اصلی زندگی اش می‌شود، در این صورت حتی خدا هم این کار را جایز دانسته است.» پاسخگوی ۴ از آذربایجان شرقی ۲۰ ساله چنین بیان می‌دارد: از نظر اسلام باید تاجایی که امکان دارد از راه حل های یکدیگر برای رفع اختلافات زندگی مشترک استفاده کرد و طلاق یا جدایی را به عنوان آخرین گزینه در نظر گرفت.»

اگرچه نمونه های مورد بررسی مفاهیمی چون منفور بودن نزد خداوند و لرزاندن عرش الهی را به طلاق نسبت می‌دهند اما معتقد بودند که با همه کراهتی که اسلام نسبت به طلاق دارد انرا مجاز می‌داند. به نظر برخی از مشارکت کنندگان تحقیق، طلاق در اسلام با وجود آنکه منفور و مکروه دانسته شده و به آن توصیه نشده است اما حرام و ممنوع نیز اعلام نشده است. بنابراین در شرایطی که امکان زندگی برای دو نفر فراهم نباشد می‌توانند به صورت قانونی و شرعی از یکدیگر جدا شوند.

طلاق راهی برای رهایی و نجات: برخی از مشارکت کنندگان تحقیق معتقد بودند طلاق موجب رهایی و نجات زوجین از سختی‌ها و مشکلات زندگی می‌شود. آنها مضمون رهایی و نجات را با این مفاهیم بیان داشته‌اند: نجات از سختی‌ها؛ نجات از شرایط بد، رها شدن از محدودیت، رهایی از مشکلات، نجات بخش، راه نجات، پایان دادن به فشارها، نجات از تنشها و فشارها.

پاسخگوی ۷ از استان آذربایجان غربی ۲۳ ساله در مورد طلاق گرفتن در زندگی مشترک چنین بیان می‌کند «درواقع طلاق برای همه اتفاق نمی‌افتد و هیچ‌کسی با هدف جداشدن وارد زندگی مشترک پا نمی‌گذارد بلکه شرایطی در طول زندگی مشترک پیش می‌آید که افراد را به سمت طلاق می‌کشاند.» پاسخگوی ۱۷ از استان البرز ۱۹ ساله در مورد طلاق چنین بیان می‌کند: «به طور کلی نمی‌شود هر سختی و مشقتی را تحمل کرد اما تن به طلاق نداد.» پاسخگوی ۲ از استان اردبیل ۱۹ ساله در مورد رهایی از مشکلات چنین بیان می‌کند «رفته رفته باور های افراد (نسبت به طلاق) دارد تغییر پیدا می‌کند و الان بیشتر به این معناست که جوانان از مشکلات و اتفاقات ناگوار زندگی رهایی پیدا می‌کنند.» پاسخگوی ۲۶ از آذربایجان غربی ۲۰ ساله در مورد جبران اشتباه با طلاق چنین بیان می‌کند: «هر زن و مردی ممکن است در انتخاب شریک زندگی خود دچار اشتباه شود یا شرایط طوری رقم بخورد که مجبور به جدایی شود.» پاسخگوی ۱۱ از استان گیلان ۲۳ ساله در مورد رهایی از محدودیت چنین بیان می‌کند: «یکسری افراد بر این عقیده اند که جدا شدن باعث پیشرفت میشود زیرا از آن محدودیت های که طرف مقابل ایجاد میکند رها می‌شود.» پاسخگوی ۱۲ از استان گیلان ۱۹ ساله در مورد نجات از شرایط بد چنین اظهار می‌کند: «بعضی وقتها که ادامه زندگی مشترک امکان پذیر نیست؛ در چنین مواقعی فقط با طلاق است که می‌شود از شرایط بدی که در آن هست نجات پیدا کرد.» پاسخگوی ۲۱ از استان البرز ۲۰ ساله در مورد راه نجات زوجین چنین بیان می‌کند: «طلاق در برخی از موارد راه نجات زوجین از فضای پر از تنش و رهایی از آن است؛

به گونه ای که آنها می توانند در کنار افراد دیگر زندگی بهتری داشته باشند.» پاسخگوی ۲۳ از استان زنجان ۲۱ ساله در مورد پایان دادن به تجربه تلخ زندگی مشترک چنین بیان می کند: «به نظر من طلاق و پایان دادن به زندگی بعضی وقت ها می تواند دردناک و عذاب آور باشد ولی در عین حال برای بعضی دیگر شیرین است زیرا فرار از سختی ها و فشارهای روانی زندگی تقریباً سخت است و با طلاق می توان یک مقداری از این فشار و تحمل زندگی مشترک و تجربه تلخ حاصل از آن پایان داد.» پاسخگوی ۲۲ از استان زنجان ۲۲ ساله در مورد نجات بخش بودن طلاق چنین اظهار می دارد: «قطعاً کسی دوست ندارد که طلاق بگیرد مگر که مجبور شود و در شرایطی که طرفین با هم مشکل داشته باشند در اصل طلاق نجات بخش میشود.»

اظهارات مشارکت کنندگان تحقیق نشان می دهد که آنان همچون نسل گذشته طلاق را «عار» یا «مایه آبروریزی» نمی دانند برعکس آنها بیان نموده اند که در مواقعی که سختی و مشکلات زندگی مشترک بسیار زیاد و غیر قابل تحمل باشد طلاق، راه رهایی و نجات از فشارها و سختی های زندگی است. اظهارات آنها نشان می دهد که آنها تحت هر شرایطی حاضر به ادامه زندگی مشترک نیستند و ازدواج میدانی برای «ساختن و ساختن» نیست. امروزه طلاق به یک قلمرو ارضا شخصی تبدیل شده است که در آن رفع نیازهای عاطفی و جنسی از اولویت برخوردار است. انتظار می رود که روابط زناشویی بر اساس علاقه متقابل و جذابیت شخصی و سازگاری بین زن و مرد بر قرار شود. تاکید بر ارضا شخصی در ازدواج انتظاراتی را مطرح می سازد که در صورت بر آورده نشدن منجر به جدایی و طلاق خواهد شد (گیدنر، ۱۳۸۳: ۴۳۴) بنابراین طلاق در هر ازدواجی امری محتمل است. چنانچه مصائب زندگی مشترک غیر قابل تحمل باشد و انتظارات شخصی و فردی آنها از ازدواج تامین نشود، و از زندگی زناشویی رضایت نداشته باشند، طلاق و جدایی می تواند راه نجات و رهایی از مسائل و مشکلات زندگی محسوب شود. به اعتقاد آماتو^{۱۵} امروزه طلاق اغلب گزینش اختیاری افراد است و به نظر می رسد نسبت به گذشته عادی و عملی بهنجار انگاشته می شود و به گونه ای روز افزون اقدامی برای رهایی از تنش خانوادگی تلقی می شود (ارجاع به آماتو ۲۰۰۰)

طلاق آخرین راه حل منطقی: نمونه های مورد بررسی مضمون آخرین راه حل منطقی را با این مفاهیم توصیف نموده اند: آخرین گزینه، آخرین راه، تلخ اما بهترین کار، راه حل معقول، راه حلی برای حل مشکلات، تنها راه حل، پایان داده به زندگی اشتباه، گزینه خوب، تصمیم درست و عقلانی، عادی و عقلانی

پاسخگوی ۲۲ از استان زنجان ۲۰ ساله در مورد درست و منطقی بودن طلاق چنین بیان می دارد: «در مواردی طلاق بسیار راه حلی درست و منطقی است.» پاسخگوی ۱۱ از استان گیلان ۲۳ ساله در مورد حل مشکل از طریق طلاق چنین بیان می کند: «امروزه با پیشرفت سطح فکر جامعه اکثر مردم به این دید رسیده اند که اگر نمی توانند به هیچ وجه مشکل خود را حل کنند از هم جدا شوند.» پاسخگوی ۱۵ از آذربایجان غربی ۲۳ ساله در مورد بهتر بودن طلاق به ادامه زندگی

^{۱۵} Amato

اظهار می‌کند: «در زندگی مشترک هر دو طرف سعی می‌کنند که برای زندگی شان تلاش کنند تا پایدار بماند اما زمانی وجود دارد که در زندگی مشترک ماندن دو طرف به ضرر آنهاست در این مواقع جدایی بهتر است.» پاسخگوی ۱۲ از گیلان ۱۹ ساله در مورد راه حل معقول طلاق چنین می‌گوید: «گاهی اوقات آن قدر زندگی زناشویی با مشکل مواجه می‌شود که طلاق گرفتن تنها راه حل معقول به نظر می‌رسد.» پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله طلاق بهترین کار چنین بیان می‌کند: «اصلاً به نظر من هر وقت ناسازگاری میان زن و شوهر پیش آید طلاق بهترین کاری است که می‌شه کرد چون یک زندگی پر از دعوا جلوی پیشرفت هر دو طرف را می‌گیرد و خیلی وقت ها هم این همه استرس و اضطراب در زندگی بیماری های مختلفی را به دنبال دارد. پس در این حالت ها طلاق کار خیلی خوبی به نظر می‌رسد و با اینکه تلخ است می‌تواند در بعضی مواقع بهترین کاری باشه که میشه کرد.» پاسخگوی ۱ از استان البرز ۲۰ ساله چنین بیان می‌کند: «بنظر من در برخی شرایط بهترین راه برای پایان دادن به یک زندگی اشتباه، طلاق است» پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله در مورد منطقی بودن طلاق چنین بیان می‌کند: «طلاق خیلی منطقی تر از تحمل است. به نظر من ما مجبور به تحمل کردن نیستیم» پاسخگوی ۲۵ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله در مورد راه حل بودن طلاق چنین بیان می‌کند: «طلاق یک آسیب اجتماعی یا اتفاق تلخ نیست بلکه یک راه حل است برای برون رفت از مشکلات زندگی مشترکی که دیگر راهی برای آن نیست.» پاسخگوی ۲۹ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله در مورد گزینه خوب طلاق چنین اظهار می‌کند: «بنظر من اگر هر دو طرف تمام تلاش خود را برای بهتر کردن وضع زندگی مشترک به کار گیرند و نتوانند به آن چیزی که می‌خواهند برسند و ادامه زندگی با یکدیگر دشوار باشد طلاق می‌تواند گزینه خوبی باشد.» پاسخگوی ۲۶ از آذربایجان غربی ۲۰ ساله طلاق بهترین انتخاب چنین اظهار می‌کند: «قرار نیست یک فرد به خاطر یک انتخاب اشتباه تمام عمر و زندگی خود را بدهد و تحمل کند شاید برای برخی افراد بهترین انتخاب و تنها راه حلشان جدایی بوده و گرنه پایان دادن به زندگی مشترک برای هر کسی قطعاً دشوارتر از تصور خواهد بود.» پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله در مورد راه حل بودن طلاق چنین ذکر می‌کند: «طلاق راه حل مشکلات سختی است که توسط زن، شوهر و اطرافیان آنها قابل حل و فصل نبوده است»

با وجود آنکه مشارکت کنندگان تحقیق طلاق را واقعه ای تلخ، دردناک، عذاب آور و سخت تلقی میکنند اما اغلب انها باور داشتند که طلاق میتواند منطقی ترین راه حل برای خروج از وضعیت بحرانی حاکم در خانواده باشد. انها بیان نموده اند که در زندگی مشترک ممکن است شرایطی حاکم شود که ادامه زندگی ممکن نباشد و طلاق آخرین راه حل و تنها راه چاره برای برون رفت از آن شرایط باشد. در این باره جان برناردز^{۱۶} (۱۳۹۶) معتقد است برای نسلهای جوانتر طلاق بیشتر راه حل در نظر گرفته می شود تا معضل اجتماعی.

^{۱۶} Jon Bernardes

طلاق مانع برخی آسیب‌ها: نمونه‌های مورد بررسی طلاق را مانع برخی آسیب‌هایی همچون: ضروت، جلوگیری از فساد تباهی، مانع از آسیب روحی و روانی، همچون دارو، جلوگیری از آسیب به بچه‌ها، به نفع زوجین و بچه‌ها، مانع بروز مشکلات برای کودکان بیان کرده‌اند.

پاسخگوی ۹ از استان قزوین ۲۱ ساله اظهار می‌دارد: «درجایی که جان افراد در خطر باشد و مشکل بیش از اندازه حاد باشد ظاهراً چاره‌ی کار طلاق است» و پاسخگوی ۱۶ از آذربایجان غربی ۲۳ ساله در مورد طلاق چنین بیان می‌کند: «طلاق را اگر مستقل از اتفاقاتی که در کشورمان اتفاق بیافتد در نظر بگیریم موضوعی کاملاً عادی و عقلانی است و شخصاً به نظرم حتی به سود دو طرف و حتی فرزند آنهاست زیرا از مسایل و نزاع‌هایی که به طور حتم در آینده رخ می‌دهد و روی روان آنهاست تاثیر می‌گذارد جلوگیری می‌کند و آینده فرزند را به خطر نمی‌اندازد». پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله چنین بیان می‌دارد: «گاهی زندگی زناشویی دچار تنش‌های شدید می‌شود و از هم فرو می‌پاشد و از نظر عقلی هیچ تردیدی وجود ندارد که گاهی روابط زن و شوهر به اندازه‌ای تباه و خراب می‌شود و به حدی از یکدیگر یا طرفی از دیگری متنفر می‌شود که امکان آشتی و مصالحه میان آنها وجود ندارد و تنها راه چاره و رهایی آنها از بند یکدیگر طلاق و جدایی است و این جدایی در جهت جلوگیری از نگرانی، سرگردانی فساد و تباهی هرچه بیشتر صورت می‌گیرد». پاسخگوی ۱۰ از استان گیلان ۲۰ ساله طلاق را به دارو تشبیه می‌کند: طلاق را میتوان به دارو تشبیه کرد؛ زمانی که ازدواج در معنی واقعی ناموفق است و از رسالت خود خارج شده و دیگر آرامش دهنده نیست بلکه سلامت روانی و اجتماعی افراد را به خطر می‌اندازد. این جاست که گویی فرد به بیماری گرفتار گشته که ای کاش نمیگشت و باید سعی به خوددرمانی نیز یکنند اما اگر نشدنی بود، به سراغ این داروی با عوارض بالا برود. پس ما طلاق درست نیز داریم. پاسخگوی ۱۱ از استان گیلان ۲۳ ساله چنین ذکر می‌کند: «طلاق گرفتن بجای، هنگامی که تلاش زوجین بی‌فایده باشد توصیه میشود، زیرا اگر دوانسان نتواند سر مشکلات به تفاهم برسد چه بسا که اگر همدیگر را تحمل کنند از لحاظ روحی بیشتر اذیت میشوند». پاسخگوی ۲۵ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله چنین اظهار می‌کند: «در مواقعی دو فرد پس از گذشت زمان متوجه میشوند اصلاً هیچ نقطه مشترک و تفاهمی باهم ندارند و ادامه دادن این زندگی مشترک نه تنها سودی برای آنها ندارد بلکه باعث آسیب‌های روحی و روانی در هر دو طرف میشود، گاهی ادامه دادن زندگی مشترک به اجبار باعث آسیب‌های اجتماعی نظیر خیانت و اعتیاد و... میشود نه طلاق!». پاسخگوی ۱۳ از استان البرز ۲۰ ساله چنین اظهار می‌دارد: «در خیلی از خانواده‌ها پدر و مادر بخاطر فرزندشان از هم جدا نمی‌شوند در حالی که ذاتاً کنار هم نیستند یعنی کنار هم آرامش خاطر ندارند و رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که اگر جدا زندگی کنند بیشتر به نفع فرزندشان است تا اینکه باهم در مکانی مشترک زندگی کنند و با رفتارهای خود آرامش روانی فرزندشان را مختل کنند». پاسخگوی ۲۹ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله چنین می‌گوید: «پدر و مادرهایی هستند که با وجود اختلافات بسیار بخاطر فرزندان خود پای زندگی با یکدیگر مانده‌اند و فرزندان آنها دچار مشکلات روحی و روانی بسیاری است...». پاسخگوی ۲۶ از آذربایجان غربی ۲۰ ساله

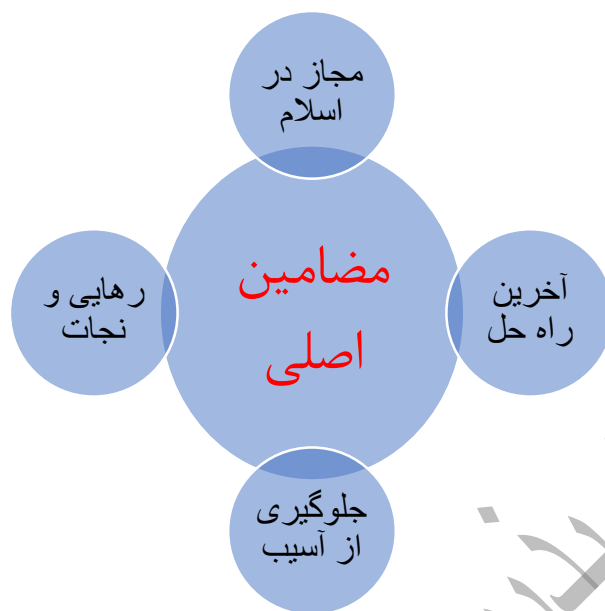
چنین بیان می‌کند: «درست است که فرزندان طلاق از نظر روحی و اجتماعی آسیب‌های بسیار زیادی می‌بینند اما میتوان با کمک گرفتن از مشاور و توافق بین پدر و مادر این آسیب‌ها را به حداقل رساند که این آسیب‌ها در برابر آسیب زندگی میان دو پدر و مادر که مدام باهم مشکل دارند و جو خانه که همیشه متشنج است، هیچ است.»

با وجود آنکه اغلب دانشجویان به پیامدهای و آسیب‌های ناگوار فردی و اجتماعی طلاق و نگاه بد جامعه به آن آگاهی داشتند اما در برخی مواقع طلاق را ضرورتی می‌دانستند که مانع آسیب‌های بیشتر به زوجین و فرزندان می‌شود. ازدواج از نظر نمونه‌های مورد بررسی امری گسستنی است و طلاق در مواقعی که سلامت جسمی و روحی زوجین و بچه‌ها در خطر است بر حفظ زندگی اولویت دارد. طلاق می‌تواند به مشاجرات بی‌پایان و مخرب خانوادگی پایان دهد و کودکان را از استرس نگرانی و اضطراب نجات دهد. به عبارت دیگر در خانواده‌ها اصل سلامت جسمی و روحی زوجین و فرزندان آنهاست و در صورتی که این اصل در زندگی مشترک به خطر افتد طلاق می‌تواند به عنوان یک ضرورت بکار آید. انچنان که اماتو معتقد است طلاق می‌تواند زمینه ساز زندگی شادتری برای بزرگسالان و نجات کودکان از محیط نامطلوب چنین خانواده‌هایی شود (اماتو، ۲۰۰۰) چنانچه تلقی از طلاق این باشد که این امر به شرایط مشاجره در خانواده پایان می‌دهد و کودکان را از استرس و نگرانی دور می‌کند در این صورت نمیتواند امری مذموم و ناپسند تلقی شود.

نتیجه گیری

طی دهه‌های گذشته طلاق بیش از هر عامل دیگری خانواده‌های ایرانی را تهدید می‌کند. تحقیقات بین نسلی نشان می‌دهد که نگرش نسل جوان و بخصوص زنان نسبت به طلاق تغییر یافته است و این تغییر نگرش به افزایش طلاق در جامعه منجر شده است. بررسی ادراکات و نظرات نسل جوان و بخصوص دختران جوان می‌تواند درک و فهم دقیق‌تری از نظرات و دیدگاه‌های آنان از طلاق در اختیار ما قرار دهد. بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که دانشجویان دختر چه درکی از طلاق دارند؟

نمونه‌های مورد پژوهش به صورت هدفمند از دختران دانشجوی دانشگاه فرهنگیان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته و به منظور تحلیل اطلاعات از تکنیک تحلیل مضمون استفاده شد. ادراکات و تصورات دانشجویان از طلاق در چهار مضمون مجاز در اسلام، رهایی و نجات، آخرین راه‌حل و جلوگیری از آسیب دسته‌بندی شدند.



نمودار مضامین استخراج شده

در مضمون مجاز در اسلام دانشجویان معتقد بودند که با وجود آنکه طلاق در اسلام مکروه و منفور بوده و توصیه نشده است، اما ممنوع و حرام نیز اعلام نشده است. بطوری که در شرع اسلام طلاق در مواردی و شرایطی جایز است. در مضمون رهایی و نجات دانشجویان اظهار داشتند که اگر زندگی مشترک چنان سخت و دشوار شود که مرد و زن را در زندگی خانوادگی دچار محرومیت و محدودیت کند، طلاق می‌تواند راه نجات و رهایی از آن وضعیت باشد. با توجه به اینکه نمونه‌های مورد بررسی از حقوق ماهیانه برخوردار هستند و دارای نوعی امنیت شغلی نیز هستند ارزش اقتصادی ازدواج برای آنها کمتر شده و ارزیابی آنها از ازدواج و طلاق بر حسب رضایتمندی و خرسندی شخصی آنها از دوام این رابطه است. بنابراین اگر چنانچه یک ازدواج با خرسندی و رضایت شخصی همراه نباشد و به انتظارات فردی و اجتماعی آنها پاسخ ندهد و از سوی دیگر همراه با مسائل، سختی‌ها و مشکلاتی باشد که موجب محدودیت و محرومیت آنها شود، می‌تواند گسستگی و پایان‌پذیر باشد. داشتن شغل و درآمد نوعی توانایی در تصمیم‌گیری برای دختران دانشجو فراهم می‌سازد و این فرصت را برای آنها مهیا است که در انتخاب همسر و ازدواج و طلاق از استقلال و آزادی بیشتری برخوردار باشند. اشتغال و کسب درآمد همچنین منجر به اعتماد به نفس زیادتر زن شده و استقلال اجتماعی روان‌شناختی وی را افزایش می‌دهد و ضمن ایجاد استقلال اقتصادی برای زنان هزینه طلاق را برای آنها کم می‌کند. (علی‌مندگاری و همکاران، ۱۳۹۱) بنابراین از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش طلاق نقطه پایانی برای زندگی تلقی نمی‌شود و می‌تواند اتفاقی نجات‌بخش و فرصتی برای ساختن زندگی بهتر باشد.

در مضمون آخرین راه حل منطقی، مشارکت‌کنندگان تحقیق طلاق را به عنوان آخرین راه حل تلقی نموده‌اند. آنها اظهار داشتند در صورتی که در زندگی مشترک، مشکلات و مسائل زوجین به حدی باشد که برای آنها قابل تحمل نباشد

طلاق میتواند بهترین راه حل منطقی باشد. افزایش تحصیلات دختران و زنان موجب افزایش رویکرد منطقی و عقلانی به زندگی خانوادگی می شود. تحصیلات خودبه خود سبب تغییر رفتار نگرش و انتظارات و باورهای فرد درباره امور مختلف جامعه و بازاندیشی آنان نسبت به نقشهای جنسیتی و انتظارات خانوادگی می شود. در وضعیتی که برابری جنسیتی یکی از انتظارات و خواسته های اصلی زنان در خانه تلقی می شود احساس بی عدالتی نسبت به تقسیم کار خانگی، رضایت شخصی زنان را از زندگی زناشویی کاهش داده و باعث می شود بیش از مردان به طلاق بیندیشند. بنابراین تلقی آنها از طلاق و ازدواج امری مشروط و اختیاری می شود و طلاق می تواند امری محتمل و راهی برای پایان دادن به یک زندگی اشتباه باشد. همچنین افزایش طلاق ها در جامعه و عادی تلقی شدن این رفتار موجب شده است که بسیاری از دختران و زنان طلاق را امری عقلانی و عادی پنداشته و راه حلی برای پایان دادن به مسائل خویش در زندگی مشترک تلقی کنند.

در مضمون طلاق مانع آسیب، نمونه های مورد بررسی اظهار داشتند که طلاق میتواند مانع آسیب های بیشتر جسمی روحی روانی و اجتماعی برای زوجین و فرزندانشان باشد. بنابراین طلاق تصمیمی است که میتواند جلوی ضررها و آسیب های بیشتر را بگیرد. در فرهنگ سنتی و عامه ایرانیان زن و شوهرها و به ویژه زنان را به نهایت بردباری، گذشت و سازگاری نسبت به همسر فراخوانده است و رعایت این رفتارها نوعی ارزش اجتماعی به حساب می آیند و حال آنکه از طلاق و جدایی بعنوان منفورترین حلالها و یک ضد ارزش یاد می شود. سازگاری با همسر و تحمل برای حفظ زندگی یا تحمل بخاطر فرزندان توصیه ها و اندرزهایی بود که بزرگان و ریش سفیدان خانواده به زوجین جوان داشتند. (فروتن، ۱۳۷۹: ۵۲) به نظر می رسد تغییر وضعیت زنان در حوزه خانواده این اعتقاد و باور سنتی و عامیانه را در ذهنیت و باور زنان و دختران امروزی تضعیف کرده است.

تحولات فرهنگی و اجتماعی همچون گسترش فرهنگ فردگرایی و تفکرات فمینیستی همراه با افزایش تحصیلات و اشتغال زنان و استقلال اقتصادی و مالی و نیز دسترسی به فضای مجازی و گردش اطلاعات، ذهنیت زنان به نقشهای جنسیتی، ازدواج و تشکیل خانواده و طلاق را تغییر داده است. آنان در پی آنند که وضعیت «سوختن و ساختن در خانه» را به عرصه «مذاکره و چانه زنی بین زوجین» تبدیل سازند. الگوی خانواده سنتی که همان «مرد نان آور و زن خانه دار» تغییر یافته است و زنان خواهان عاملیت و تاثیر گذاری بیشتری در روابط اجتماعی و خانوادگی هستند. سهم عاملیت ارادی و انتخابی (زنان) در برابر ساختارها و نهادها افزایش یافته و تاثیر یکجانبه و تعیین کننده ساختارها و نهادها بر زنان کاهش یافته و آنها را از وضعیت منفعل، به طرف مذاکره تبدیل کرده است. خانواده به عنوان نخستین مکان هویت سازی و محل بازتولید جنسیت اکنون محل استقرار افرادی است که نظم جنسی و جنسیتی موجود در آن را به پرسش کشیده و به توسعه خود در برابر نهاد خانواده اقدام کرده اند (عرب خراسانی، ۱۳۹۹: ۸۴) در خصوص طلاق نیز مشارکت کنندگان تحقیق موضعی فعالانه به آن داشتند آنها طلاق را نه آسیب اجتماعی بلکه راه حلی منطقی برای رهایی و نجات از مصائب زندگی مشترک می دانند برخی از آنها باور داشتند که «طلاق بهتر از تحمل کردن» است. نتایج این تحقیق با یافته های

عرب خراسانی (۱۳۹۹) و چابکی (۱۳۹۱) و علی مندگاری و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. همچنین در مورد تغییر نگرش زنان به طلاق، یافته های پژوهشهای فروتن و میرزایی (۱۳۹۵) فلاحی گیلان و همکاران (۱۳۹۱) و صادقی (۱۳۹۵) را تایید می کند.

بدین ترتیب به نظر می رسد با توجه به تغییرات صورت گرفته در وضعیت زنان در جامعه و درون خانواده، منطق تشکیل خانواده و ازدواج و طلاق در ذهنیت و باورهای زنان تغییر یافته است، زنان در حال بازاندیشی در نقشهای جنسیتی خود در خانواده های سنتی هستند. آنها در پی این هستند تا جایگاه برابر و عادلانه ای در خانه و جامعه داشته باشند. بدین ترتیب از منابع اقتصادی و فرهنگی خویش در جهت کنشگری فعال در برقراری روابط عادلانه و برابر در جامعه و زندگی خانوادگی بهره می برند.

منابع

- استروس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۳). **اصول و روش تحقیق کیفی**، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برناردز، جان (۱۳۹۶) **درآمدی بر مطالعات خانواده**، ترجمه حسین قاضیان، تهران: انتشارات نی.
- بگی، میلاد؛ حسنی، حاتم (۱۴۰۰) "تفاوتهای نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چند سطحی"، پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی ایران، س ۱۰ ش ۳ (۳۴) ص ۲۳-۴۴
- تقوی، نعمت اله (۱۳۷۹) **درآمدی بر جامعه شناسی خانواده**، تهران: انتشارات پیام نور.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳) **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۰). دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، صفحه داده های آمارهای حیاتی.
- صادقی، رسول؛ ابراهیمی مرضیه؛ زنجری، نسیم (۱۳۹۵). واکاوی ادراک جوانان از تجربه طلاق: مطالعه کیفی در شهر تهران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷ (۲) ۱-۲۸.
- صادقی، رسول (۱۳۹۶) "نگرش نسبت به پیامدهای طلاق و تاثیر آن بر تمایل زوجین جوان به طلاق در شهر تهران"، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۶ شماره ۳۸ ص ۲۰۵-۲۲۲
- صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری مریم. (۱۳۹۱) "تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی"، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱ شماره ۳ ص ۵-۳۰
- حسنی، محمد رضا؛ هدایتی، منصوره؛ محمد زاده، فاطمه (۱۳۹۶) "فرا تحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق در سالهای ۱۳۸۲-۱۳۹۴"، مجله مطالعات اجتماعی ایران شماره ۳ ص ۱۲۶-۱۵۱.
- چابکی، ام البنین. (۱۳۹۲) "مطالعه بین نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران"، مطالعات زن و خانواده، دوره ۱ شماره ۱ ص ۱۵۹-۱۸۵.
- زارعان، منصوره؛ سدید پور، سمانه سادات. (۱۳۹۵) "فرا تحلیل تحقیقات مربوط به طلاق رویارویی عوامل فردی و اجتماعی"، بررسی مسائل اجتماعی ایران س ۷ ش ۲ ص ۱۹۱-۲۱۸.

عرب سید محمد، ابراهیم زاده پزشکی، رضا؛ مذوتی شریف آبادی، علی (۱۳۹۳) "طراحی مدل فراترکیب عوامل موثر بر طلاق با مرور نظامند مطالعه های پیشین"، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران س ۱۰ ش ۴ ص ۱۰-۲۲.

عرب خراسانی، سمیه (۱۳۹۸) جنسیت و جدایی: روایت زنانه، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، سال ۱۷ شماره ۱ ص ۳۵-۶۲.

علی مندگاری، ملیحه، قاضی طباطبایی، محمود، ساداتی، سید محمد (۱۳۹۵) آزمون مدل نظریف مفهومی تمایل زوجین به طلاق در شهر تهران، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی دوره ۱ شماره ۱ ص ۶۱-۹۳.
ذکایی، محمد سعید. (۱۳۹۹). هنر انجام پژوهش کیفی از مساله یابی تا نگارش، تهران: انتشارات آگاه.

سهراب زاده، مهران؛ شعاع، صدیقه؛ نیازی، محسن؛ موحد، مجید (۱۳۹۸). بازاندیشی نقشهای جنسیتی زنانه و تعیین کننده های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان متاهل شهر شیراز)، مجله زنان و خانواده، سال ۱۴، شماره ۴۹ ص ۸۷-۱۱۱.

فیروزجاییان گلوگاه، علی اصغر؛ صادقی، سهیل (۱۳۹۷) "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران"، مطالعات زن و خانواده س ۶ ش ۲ ص ۱۱۱-۱۴۳.
فولادیان، مجید؛ شجاعی قلعه نی، مینا. (۱۳۹۹) "مطالعه جامعه شناختی فرایندهای وقوع طلاق"، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۱۶ شماره ۶۲ ص ۲۳۱-۲۵۷.

کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه، (۱۳۹۰) "مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران"، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۳ ص ۱۲۹-۱۶۲.

کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه، (۱۳۹۰) مرور نظامند سه دهه تحقیقات انجام شده در ایران با تاکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۷۶-۱۳۹۰) زن در توسعه و سیاست س ۹ ش ۳ ص ۱۱۱-۱۳۱.

کریمی، فرشاد؛ البرزی، صدیقه (۱۳۹۷) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به طلاق در شهر شیراز، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی دوره ۴ شم ۱ ص ۱۰۱-۱۲۶.

فلاحی گیلان، روح اله؛ روشنفکر، پیام، پور کسمایی، مریم. (۱۳۹۱) بررسی بین نسلی نگرش به طلاق در استان زنجان، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی س ۱ ش ۲ ص ۱۳۹-۱۵۶.

فروتن، یعقوب (۱۳۷۹) ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران، فصلنامه جمعیت شماره ۳۱-۳۱ ص ۴۶-۶۹.

فروتن، یعقوب؛ میرزایی، سمیه (۱۳۹۵) نگرش به طلاق و تعیین کننده های آن در ایران، دو فصلنامه جمعیت، دوره ۲ شماره ۲ ص ۱۹۳-۲۲۵.

گودزی، محسن. (۱۳۹۴). نگرش زنان به هنجارهای خانوادگی و آگاهی های جنسیتی، تحلیلی از یافته های پیمایش ملی، گزارش وضعیت زنان در ایران، تهران: نشر نی.

فیلیک، اووه (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات نی.

ملتفت، حسین، شهری، داود؛ محبی میمنندی، مهیار (۱۳۹۹) پویایی طلاق در ایران ۱۳۸۳-۱۳۹۳، فصلنامه خانواده پژوهی، س ۱۶ ش ۶۴ ص ۵۴۷-۵۶۸.

محبی، فاطمه (۱۳۹۱) تبیین جامعه شناختی طلاق از کتاب اندیشه های راهبردی زن و خانواده، تهران: پیام عدالت.

- محمدپور، احمد (۱۳۹۳) *بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه شهر تهران* (یک مطالعه پدیدار شناسی) فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۴(۱) ص ۱۳۵-۱۷۲
- مرادی، علی؛ فرخی، ماندانا. (۱۴۰۰) *عوامل اجتماعی موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق* (مورد مطالعه زنان متاهل اسلام آباد غرب) مجله زن و مطالعات خانواده سال ۱۳ شماره ۵۱ ص ۷۹-۱۰۱.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۶). *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*، تهران: نشر ورجاوند.
- موسوی، مهری سادات (۱۳۹۵) *بازنمایی معنایی طلاق توافقی*، خانواده پژوهشی س ۱۲ ش ۴۶ ص ۲۸۷-۳۰۴.
- نیازی، محسن؛ عسگری کویری، اسما، الماسی بیگدلی، احسان؛ نوروزی، میلاد؛ نورانی الناز (۱۳۹۶) *فرا تحلیل و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶*، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان س ۱۵ ش ۴ ص ۱۷۷-۲۰۲.
- یحیی زاده، حسین؛ حامد، محبوبه. (۱۳۹۴) *مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه فراتحلیل مقالات موجود*، مطالعات زن و خانواده س ۳ ش ۲ ص ۹۱-۱۲۰.
- Aghajanian, A., & Thompson, V. (۲۰۱۳). **Recent Divorce Trend in Iran**. Journal of Divorce & Remarriage, ۵۴(۲), ۱۱۲-۱۲۵.
- Amato, P. R. (۲۰۰۰). **The Consequences of Divorce for Adults and Children**. Journal of Marriage and the Family, ۶۲(۶), ۱۲۶۹-۱۲۸۷.
- Amato, P., & Denise, P. (۲۰۰۳), **People's Reasons for Divorcing: Gender, Social Class, the Life Course, and Adjustment**. Journal of Family Issues, ۲۴(۵), ۶۰۲-۶۲۶.
- Amato, P. R., & Keith, B. (۱۹۹۶). **Parental Divorce and the Well-Being of Children: A Meta-Analysis**. Psychological Bulletin, ۱۱۰(۱), ۲۶-۴۶.
- Rootalu, K. & Kasearu, K. (۲۰۱۶) **"Adolescents' Attitudes Toward Divorce: Does Parental Influence Matter in a Changing Society?"**, Journal of Divorce and Remarriage, Vol. ۵۷: ۱۹۵-۲۱۱.
- Oppenheim Mason, K. & Jensen, A. (۱۹۹۵). **Gender and family change in industrialized countries**. Oxford: Clarendon Press.
- Sadeghi, R., & Aghajanian, V. (۲۰۱۹). **Attitude and propensity to divorce in Iran: Structural and ideational determinants**. Journal of Divorce & Remarriage, ۱-۲۲.
- Lincoln, Y.S. and Guba, E.G. (۱۹۸۵) **Naturalistic Inquiry**. London; SAGE.
- Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۷), "Using thematic analysis in psychology" **Qualitative Research in Psychology**, Vol. ۳, No. ۲, Pp. ۷۷-۱۰۱.
- Diaz, N., Molina O., MacMillan, T. Duran, L & Swart, E. (۲۰۱۳) **"Attitudes toward Divorce and Their Relationship with Psychosocial Factors among Social Work Students"**, Journal of Divorce and Remarriage, Vol. ۵۴: ۵۰۵-۵۱۸.
- Kwan, L., L. Mellor, D. Rizzuto, L. Kolar, C. Mamat, Norul Hidayah Bt. (۲۰۱۳), **"The Relationship between Perceived Interparental Conflict and Malaysian Young Adults' Attitudes toward Divorce"**, Journal of Divorce and Remarriage, V ۵۴: ۵۹۶- ۶۰۷.
- Whitton, Sarah W. Stanley, Scott M. Markman, Howard J. Johnson, Christine A. (۲۰۱۳) **"Attitudes Toward Divorce, Commitment, and Divorce Proneness in First Marriages and Remarriages"**, Journal of Remarriage and family, Vol. ۷۵ (۲): ۲۷۶-۲۸۷.

Weitzman, L. (۱۹۸۵). **The divorce revolution: the unexpected social and economic consequences for women and children in America**. New York: Free Press.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار